

## دو ترجمه جدید از قرآن کریم (بخش دوم: ترجمه آقای علی اصغر حلبی)

حسین استادولی

در شماره قبل وعده دادیم که در این شماره به نقد ترجمه جدیدی دیگر از قرآن کریم بپردازیم که به قلم آقای دکتر علی اصغر حلبی، استاد محترم دانشگاه به نگارش درآمده است. این ترجمه در سال ۱۳۸۰، در قطع وزیری، به صورت ترجمه مقابل، در یازده هزار نسخه از سوی انتشارات اساطیر به چاپ رسیده است.

برخلاف ترجمه آقای ارفع که فاقد مقدمه یا مؤخره بود، مترجم محترم در پایان ترجمه، سخنان مفصلی در ۳۰ صفحه آورده و درباره نکاتی همچون: اهمیت قرآن کریم، نقش قرآن در زندگی ما، تأثیر قرآن در ادبیات فارسی، نفوذ قرآن در همه اعصار، لزوم آشنایی با قرآن برای موافق و مخالف، سرچشمه بودن قرآن برای بسیاری از علوم و معارف بشری، آسان بودن فهم قرآن، انواع آیات قرآن چون محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ، خاص و عام، مجمل و مفصل و شرح هر یک از این عناوین، بحثی مفصل در معرفی راسخان در علم، علل وجود آیات متشابه در قرآن و سرانجام سخنی درباره ترجمه حاضر و انگیزه خود در ترجمه قرآن، مطالب سودمندی نگاشته است.

به رغم تلاش مترجم، در بررسی این ترجمه به مشکلاتی از این دست برمیخوریم:  
الف) اغلاط علمی و محتوایی ترجمه که ۲۲ نمونه آن در نوشتار حاضر آمده است.  
ب) اغلاطی که در برخی ترجمه‌های گذشته وجود داشته و در این ترجمه نیز تکرار

گردیده است.

ج) ویرایش بسیار بد در استفاده از بسیاری کروش‌های نابجا.

د) اغلاط چاپی قابل توجه.

ه) تفسیرهای غلط در ضمن ترجمه.

نکته دیگر آنکه این ترجمه میان کم‌دقتی و سنگینی قلم جمع کرده است؛ یعنی اگر ترجمه مرحوم الهی قمشه‌ای را زیبا و خوشخوان، اما بی‌دقت بدانیم، و اگر ترجمه آقای ارفع را ساده و بی‌پیرایه، ولی غیر دقیق بخوانیم، این ترجمه نه آن‌گونه که باید، روان است و نه دقیق! از باب نمونه ترجمه آیه دوم سوره مائده را مرور می‌کنیم:

مائده، ۲: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، شعائر خدا را حلال  
مشمارید؛ و ماه حرام را و هدی و قلائد [= شتران گردن ناپسته و  
گردن‌بسته] را و [کشتن] قاصدان بیت‌الحرام را که فضل  
پروردگار خویش را می‌جویند و خشنودی او را. و چون از  
احرام بیرون آید پس شکار کنید. و نباید دشمنی کسانی را که  
شما را از مسجدالحرام بازداشتند به تجاوز وادارتان کند. و به  
نیکی و پرهیزگاری، یکدیگر را یاری کنید و بر گناه و  
دشمنی هم‌دیگر را یاری مکنید و از خدا بترسید؛ به راستی خدا سخت شکنجه است».

در ترجمه همین یک آیه، نه اشکال به چشم می‌خورد:

۱. منظور از شعائر خدا و حلال شمردن آنها روشن نشده است. مراد از حلال شمردن شعائر، حرمت شکنی آنهاست، که باید در متن ترجمه یا پاورقی توضیح داده می‌شد.
۲. شتران گردن‌ناپسته و گردن‌بسته چیست؟
۳. مراد از حلال شمردن (حرمت شکنی) قاصدان بیت‌الحرام فقط کشتن آنها نیست، بلکه هرگونه بی‌حرمتی به آنان است، و لفظ [کشتن] در اینجا خطاست.
۴. عبارت «خشنودی او را» را اولاً طوری آورده‌اند که می‌توان آن را عطف به «قاصدان بیت‌الحرام» کرد، حال آنکه عطف به «فضل پروردگار خویش» است؛ یعنی فضل و خشنودی پروردگار خویش را می‌جویند. ثانیاً با عدم تکرار فعل «حلال مشمارید» بر اغلاق ترجمه افزوده شده است.

۵. جمله «چون از احرام بیرون آید پس شکار کنید» طوری است که گویی امر خداوند این است که پس از احرام باید شکار کرد؛ در صورتی که با آوردن تعبیر [می توانید] «شکار کنید» این اشکال برطرف می‌شد، زیرا امر در اینجا برای اباحه است نه تکلیف و جویی.
۶. کلمه «را» پس از «کسانی» زاید است.
۷. به جای عبارت «به نیکی و پرهیزگاری»، «بر نیکی و پرهیزگاری» صحیح است، چرا که معنای این دو حرف اضافه متفاوت است.
۸. «دشمنیگی» واژه‌ای غریب است، به جای واژه مأنوس «دشمنی».
۹. ترجمه «عذاب» به «شکنجه» نامطلوب است و بار منفی دارد.
- اکنون پس از نقل همین یک نمونه به عنوان ترجمه‌ای مغلق و غیردقیق، به نقد و بررسی این ترجمه با ذکر چند نمونه از عناوین گذشته می‌پردازیم:

### الف) اغلاط علمی و محتوایی

۱. نساء، ۳۳: وَلِكُلِّ جَعَلْنَا مَوَالِيَ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانُ وَالْأَقْرَبُونَ وَالَّذِينَ عَقَدتْ أَيْمَانَكُمْ فَأَتَوْهُم نَصِيهِمْ... «برای هر کس و ارثانی قرار دادیم از آنچه پدر و مادر و نزدیکان و کسانی که هم‌قسم شده‌اید واگذاشتند...»
- اولاً، خود «کسان» وارثان پدر و مادر و نزدیکان و... هستند، نه آنکه برای آنان وارثانی است! از این ترجمه معلوم نمی‌شود که وارث کیست و موروث که؟
- ثانیاً «ایمان» در این آیه به معنای «عهد و پیمان و عقد زناشویی» است نه «قسم».
۲. مائده، ۷۳: لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَالِثُ ثَلَاثَةٍ: «بی‌گمان کافر شدند کسانی که گفتند که خداوند سومین سه [تن] است». روشن است که مسیحیان خداوند را نه سومین اقنوم، که اولین اقنوم می‌دانستند. بنابراین مراد از ثالث ثلثه، واحد ثلثه است، یعنی خدا یکی از سه اقنوم است نه سومین اقنوم.
۳. انعام، ۱۰۵: وَكَذَلِكَ نَصْرَفُ الْآيَاتِ وَلِيَقُولُوا دَرَسَتْ وَلِنَبِّئَنَّهُ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ «و اینچنین آیات را به صورتهای گوناگون می‌گردانیم و آنها گویند: [این چیزها را] تو خود ساخته‌ای؛ و ما آنان را بیان می‌کنیم برای گروهی که می‌دانند».
- در این ترجمه اولاً واو قبل از «لیقولوا» که واو عطف است و معطوف علیه آن که محذوف

## □ ۷ دو ترجمه جدید از قرآن کریم

است، نادیده گرفته شده‌اند. ثانیاً لام تعلیل در «لیقولوا» و «لنبینه» ترجمه نشده. ثالثاً «دَرَسْتُ» یعنی «درس خوانده‌ی» نه «خود ساخته‌ای». رابعاً «آنان را» غلط چاپی است و «آن را» صحیح است. ترجمه صحیح چنین است: «و این چنین آیات را به صورتهای گوناگون بیان می‌کنیم [برای اهدافی چند] و برای آنکه (کوردلان) بگویند: تو (در نزد اهل کتاب) درس خوانده‌ای و تا آنکه آن را برای گروهی که اهل دانش‌اند بیان کنیم».

۴. اعراف، ۱۰۵: **حَقِيقَ عَلِيٍّ اَنْ لَا اَقُولَ عَلٰى اَللّٰهِ اِلَّا الْحَقَّ ...** «بر من واجب است که بر خدا جز به حق سخن نگویم...».

در این آیه «علی» حرف جر به صورت «علی» (علی + یای ضمیر) خوانده شده و خبر قرار داده شده و «اَنْ لَا اَقُولَ» مبتدا گرفته شده است. اگرچه در برخی قرائات «علی» نیز قرائت شده است ولی در قرائت مشهور و قرائتی که ایشان آورده‌اند چنین نیست. در این قرائت «حقیق علی اَنْ لَا اَقُولَ» خبری است که مبتدای آن محذوف است و آن ضمیر «اَنَا» است. ترجمه صحیح: «سزاوارم که درباره خدا سخنی جز حق نگویم».

۵. یونس، ۱۶: **قُلْ لَوْ شَاءَ اللّٰهُ مَا تَلَوْتُهُ عَلَیْكُمْ وَلَا اَدْرِیْكُمْ بِهِ:** «بگو: اگر خدا می‌خواست آن را بر شما تلاوت نمی‌کردم و شما را بدان آگاه نمی‌کردم». در اینجا «ادریکم» که فعل مفرد مذکر غایب، و فاعل آن خداست، فعل متکلم وحده گرفته شده و این اشتباهی است که اغلب مترجمان مرتکب آن شده‌اند. ترجمه صحیح: «و خداوند شما را از آن آگاه نمی‌کرد».

۶. رعد، ۱۸: **وَالَّذِیْنَ لَمْ یَسْتَجِیْبُوْا لَهٗ لَوْ اَنْ لَّهٗمْ مَا فِی الْاَرْضِ جَمِیْعًا وَّمِثْلُهٗ مَعَهٗ لَا فِتْنٰوَا بِهِ ...** «و کسانی که او را اجابت نکردند، اگر که همه آنچه در زمین است از آن ایشان باشد و مانند آن با او، و آن را فدیة دهند [ایشان را سود ندارد].»

در این آیه «لافتدوا به» که جواب «لو» است «وافتدوا به» خوانده شده و عطف به جمله قبل و متمم شرط دانسته شده، لذا جواب شرط در گروه آورده شده است، در حالی که خود «لافتدوا به» جواب شرط است. ترجمه صحیح: «و کسانی که او را اجابت نکردند، اگر [در روز قیامت] سراسر آنچه در روی زمین است و نظیر آن نیز از آن آنها باشد هرآینه حاضرند همه را فدای نجات خود کنند».

۷. اسراء، ۲۱: **وَلِلْآخِرَةِ الْاَكْبَرِ دَرَجَاتٌ وَّاَكْبَرُ تَفْضِیْلًا** «و آخرت راست بزرگترین درجات و [از جهت] افزونی بزرگتر است».

در این آیه لام «لَاخِرَةَ» که لام تأکید است لام جارهِ (لِلْآخِرَةِ) خواننده و به صورت حرف جرّ ترجمه شده است. همچنین یکی از موارد کروش‌های نابجا در همین جاست که اگر [از جهت] حذف شود معنای آیه روشن نمی‌گردد. ترجمه صحیح: «والبته آخرت از نظر درجات و برتری‌ها بزرگ‌تر است».

۸. شعراء، ۲۵: قال لمن حوله الا تسمعون «... گفت: آیا می‌شنوید [که چه می‌گوید]؟». «الا تسمعون» جمله منفی است، یعنی آیا نمی‌شنوید (که چه می‌گوید)؟

۹. سجده، ۲۴: وجعلنا منهم ائمة يهدون بامرنا لما صبروا و كانوا باياتنا يوقنون «و از آنها - به سبب شکیبایی کردنشان - پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما [مردم را] راه می‌نمایند؛ و [آنها] به آیات ما یقین داشتند».

واو در «وكانوا» واو استیناف گرفته شده و این جمله مستقل ترجمه گردیده است. در صورتی که واو عاطفه است و جمله «وكانوا...» عطف به «صبروا» است و مجموعاً سبب و علت برگزیدگی آنان به امامت است. ترجمه صحیح: «و از آنان پیشوایانی قرار دادیم که (مردم را) به امر ما هدایت می‌کردند، از آن رو که صبر ورزیدند و آیات ما را باور داشتند».

۱۰. سجده، ۲۶: اولم يهد لهم كم اهلكنا من قبلهم من القرون... «آیا برایشان پدیدار نشد که [ما] چه امتهایی را پیش از ایشان هلاک ساختیم...».

معلوم نیست چرا فعل متعدی «یهد لهم» به «پدیدار شدن» که فعل لازم است ترجمه شده؟ در صورتی که «هدی» متعدی است و اگر با «لام» متعدی شود معنای هدایت به علاوه تبیین و روشن سازی می‌دهد، یعنی معنای «تبیین» در آن تضمین می‌گردد. ترجمه صحیح: «آیا آنها را هدایت نکرد و برای ایشان روشن ساخت این که ما چه بسیار امتهایی را پیش از آنها هلاک ساختیم».

۱۱. زمر، ۷۳: وسيق الذين اتقوا ربهم الى الجنة زمراً حتى اذا جاءوها وفتحت ابوابها و قال لهم خزنتها سلام عليكم... «و کسانی که از [عذاب] پروردگارشان پرهیز کردند گروه گروه به سوی بهشت کشانده شوند تا چون بدانجا آیند درهای آن گشاده گردد. و خازنان بهشت ایشان را گویند: درود بر شما...»

باز هم در این آیه واو «و فتحت» نادیده گرفته شده و ترجمه نگردیده و جمله «فتحت ابوابها» جزای شرط دانسته شده است. در صورتی که جزای شرط محذوف است و واو

«وافتحت» بنابر قول المیزان واو حالیه است. همچنین «سیق» به معنای رانده شدن از پشت است که در اینجا معنای «روانه گردانده شوند» می‌دهد، ولی «کشانده شوند» ترجمه شده است. ترجمه صحیح: «و کسانی را که از پروردگارشان پروا داشته‌اند، گروه گروه به سوی بهشت روانه کنند، تا چون بدانجا رسند در حالی که درهایش [به روی آنان] گشوده شده است [با عزت و احترام و شوقی وصف‌ناپذیر به آنجا درآیند] و نگهبانانش به آنها گویند...»

۱۲. احقاف، ۱۱: **وقال الذين كفروا للذين آمنوا لو كان خيراً ما سبقونا اليه:** «و کسانی که کافر شدند کسانی را که ایمان آوردند گفتند: اگر [در اسلام] خیری می‌بود، [مؤمنان یهود] بر ما سبقت نمی‌گرفتند». در این آیه، مؤمنان، مورد خطاب کافران نبودند، بلکه کافران در میان خود درباره مؤمنان چنین می‌گفتند. در واقع «لام» در «للذين آمنوا» به معنای «عن» یا «فی» است که در کتابهای ادبی و تفسیر به این نکته اشاره گردیده است.

۱۳. احقاف، ۲۱: **و اذكر اخا عاد اذ انذر قومه بالاحقاف...** «و یاد کن برادر [قوم] عاد [یعنی هود] را چون گروه خود را به ریگهای انبوه [نزدیک حضرموت ولایت یمن] بیم داد». در اینجا «باء» در بالاحقاف که به معنای «فی» است، بای سببیه گرفته شده است. معنای صحیح: «و به یاد آر [داستان هود] برادر [قبیله‌ای] قوم عاد را، آن گاه که قوم خود را در آن ریگستان [واقع در یمن] بیم داد». البته می‌توان گفت که بای «به ریگهای انبوه» به معنای «در» است و در فارسی هم چنین استعمالی هست، اما در این آیه مراد مترجم محترم نیست، زیرا در آن صورت باید «به ریگستان» می‌گفت نه «به ریگهای انبوه» که معنای مکان نمی‌دهد.

۱۴. قمر، ۹: **... وقالوا مجنون و اذجر...** و گفتند: دیوانه است، و [او را] آزار دادند. در اینجا «ذجر» که به معنای «منع و بازداشتن و راندن» است، به معنای فارسی آن (آزار و اذیت) گرفته شده است. معنای صحیح: «و گفتند: دیوانه‌ای است؛ و از فعالیت بازداشته شد».

۱۵. واقعه، ۸۲: **و تجعلون رزقكم انکم تکذبون** «و به جای [شکر] روزی، تکذیب [قرآن و احکام آن را] می‌نهیید؟» در این آیه، اولاً مراد از روزی، سهم و بهره از قرآن است نه روزی متعارف که کلمه تکمیلی [شکر] آورده شود. ثانیاً ضمیر «کم» در ترجمه نیامده است. ترجمه صحیح: «و روزی و بهره خود [از این قرآن] را تکذیب [آن] قرار می‌دهید؟».

۱۶. حشر، ۹: **والذين تبوءوا الدار والايمان... ولا يجدون في صدورهم حاجة مما اوتوا** «و آنان که پیش از [مهاجران] مدینه را خانه خود گرفتند... و در سینه‌های خودشان حسدی نسبت

بدانچه [رسول مهاجران را] داد نمی یابند».

اولاً، «الایمان» ترجمه نشده. ثانیاً، «حاجة» که به معنای نیاز یا چشمداشت است، به معنای «حسد» گرفته شده، ولی این را غلط مسلم نمی شماریم، زیرا صاحب مجمع البیان نیز به همین معنی گرفته است. ثالثاً، فعل جمع و مجهول «أوتوا» به صورت مفرد و معلوم ترجمه شده است. رابعاً، اگر مطلب میان گروه برداشته شود هیچ مطلبی از آیه فهمیده نمی شود.

۱۷. حشر، ۱۹: وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ «و مباحثید مانند آن کسان که خدا را فراموش کردند، پس خدا [اندیشه فرمایشان را] از یادشان برد». در اینجا «انفسهم» که مفعول «انسیهم» است و در آیه به آن تصریح شده ترجمه نگردیده، و به جای آن مفعولی دیگر در گروه آورده شده است. ترجمه صحیح: «... پس خدا آنان را از یاد خودشان برد (دچار خود فراموشی شدند)».

۱۸. معارج، ۳۸: أَيُطْمَعُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ أَنْ يُدْخَلَ جَنَّةَ نَعِيمٍ «آیا هر مردی از آنان طمع می کند به بهشتی پر نعمت درآید؟».

در این آیه «يُدْخَلَ» که فعل مجهول است به صورت فعل معلوم (يُدْخَلُ) ترجمه شده. ترجمه صحیح: «آیا هر مردی از آنان طمع دارد که او را به بهشتی پر نعمت درآورند؟»

۱۹. جن، ۳: وَأَنْتَ تَعَالَى جَدْرَبْنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةُ وَلَا وَلَدًا «و اینکه عظمت پروردگاران برتر از آن است که همسر و فرزندی بگیرد». این ترجمه گرچه غلط نیست ولی با لفظ آیه تطبیق ندارد. ترجمه صحیح: «و اینکه مقام و عظمت پروردگاران بسی والاست؛ او هرگز برای خود همسر و فرزندی نگرفته است».

جن، ۱۰: اِمْرَادٍ بِيَهُمْ رَبِّهِمْ رَشْدًا «... یا پروردگارت برای آنان هدایتی اراده فرموده است». در اینجا «ربك» به جای «ربهم» ترجمه شده است؛ لذا «پروردگاران» صحیح است.

۲۰. مزمل، ۱۱: وَ ذُرِّيِّ الْمَكْذِبِينَ أُولَى النَّعْمَةِ... «و بگذار مرا با تکذیب کنندگان [که] خداوندان نعمت [اند]...».

در این آیه «النَّعْمَةُ» به فتح نون به صورت «النَّعْمَةُ» به کسر نون خوانده و ترجمه شده است. نعمت به معنای خوشگذرانی و رفاه زدگی است. ترجمه صحیح: «و بگذار مرا با رفاه زدگان غافل و بی درد».

۲۱. عادیات، ۹: أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعِثَ مَا فِي الْقُبُورِ... «آیا نمی داند که زنده و [ظاهر] شود آنچه در

## □ ۱۱ دو ترجمه جدید از قرآن کریم

گورهاست؟...».

در این آیه «اذا» ترجمه نشده و شاید به صورت «أنه» ترجمه شده است. در صورتی که اذا ظرفیه غیر شرطیه است و مفعول «یعلم» نیز در تقدیر است. بنابراین معنای آیه چنین می شود: «آیا نمی داند آن گاه که آنچه در قورهاست بیرون ریخته شود [نتیجه ناسپاسی خود را نسبت به پروردگار خواهد دید؟!].» همچنین گروه باید قبل از او باشد.

۲۲. فیل، ۳: وارسل علیهم طیراً ابابیل «و بر آنها مرغکان «ابابیل» را نفرستاد؟».

در این ترجمه «ابابیل» را نام مرغان گرفته است. در صورتی که ابابیل حال است برای «طیراً» و به معنای دسته جات متفرقه و گروه گروه است. ترجمه صحیح: «و مرغانی را گروه گروه بر سر آنان نفرستاد؟».

### ب) اغلاط مشترک

مرادم از اغلاط مشترک اشتباهات مشابهی است که هم در ترجمه آقای ارفع و هم در ترجمه دکتر حلبی از برخی آیات قرآن آمده است. توضیح درباره هر آیه را در بخش نخست این مقاله (ترجمان وحی، ش ۱۳) آورده ام. اکنون به این موارد اشاره می رود:

بقره / ۱۰۶، ۱۸۸؛ نساء / ۳۳؛ مائده / ۶۲، ۶۳؛ انعام / ۳۰، ۱۰۸؛ یوسف / ۴۱؛ حج / ۱۱، ۲۴؛ مؤمنون / ۶۷، ۷۷؛ نور / ۳۳؛ نمل / ۸۲؛ عنکبوت / ۳؛ ذاریات / ۵۸، ۵۹؛ قمر / ۱۴، ۳۱.

### ج) ویرایش بد

در مؤخره ترجمه سخن از پاکنویس کننده ترجمه به میان آمده، اما به ویراستار اشاره ای نشده است و معلوم نیست که آیا مترجم محترم، این ترجمه را به دست ویراستار سپرده اند یا نه؟ و اگر سپرده اند آیا پس از ویرایش، آن را ملاحظه کرده اند یا خیر؟ به هر حال، اگر نگوییم «بیشتر»، باید گفت «بسیاری» از گروه ها سر جای خود نیست و حذف مطالب داخل گروه ترجمه را از انسجام می اندازد. در این مقال اشاره به همه آن موارد و توضیح آنها ممکن نیست و فقط از باب نمونه به ذکر موارد زیر بسنده می گردد. همچنین به دو مورد از افتادگیها اشاره می رود:

۱. آل عمران، ۷۵: ذلك بانهم قالوا ليس علينا في الاميين سبيل «این [بدان سبب] است که



- ایشان گفتند: بر ما گناهی نیست [در ادا نکردن مال] غیر اهل کتاب و یا [اعراب بی کتاب]...».
۲. اسراء، ۶۹: ام امتم ان یعیدکم فیہ تارۃ اخری «یا ایمن شدید از اینکه بار دیگر [خدا] شما را [به دریا] درآورد...»
۳. اسراء، ۷۱: یوم ندعوکل اناس بامامهم... ولا یظلمون فتیلاً «آن[روز هر گروهی را با پیشوای آنها بخوانیم... و [به اندازه] شکاف هسته [خرمایی] بر ایشان ستم نشود».
۴. اسراء، ۷۳: لتفتری علینا غیره «... تا بر ما افتراء کنی غیر آنچه را [که به تو وحی کردیم]».
۵. اسراء، ۷۸: ان قرآن الفجر کان مشهوداً «بی گمان [در] نماز بامداد [فرشتگان] حاضر آیند».
۶. یس، ۴۵: و اذا قیل لهم اتقوا ما بین ایدیکم و ما خلفکم لعلکم ترحمون «و [یادکن] چون ایشان را گویند: بپرهیزید از [نتیجه آن گناهایی که] پیش از این کردید و آنچه پس از این بکنید، باشد که شما را رحم کنند [گوش فرا ندهند]».
- در این آیه صرف نظر از ویرایش بد که اگر مطلب میان کروشۀ دوم را بردارند جمله ناقص است، «اذا» را هم ظرف زمان گرفته و هم شرطیه، یعنی مترجم هم [یادکن] را آورده است و هم جزا را که [گوش فرا ندهند] باشد.
۷. قمر، ۵: حکمة بالغة فما تغنی النذر «[قرآن] حکمت بالغه است، [و لیکن با انکار و سرسختی کافران، بیم دادن] بیم دهندگان چه سود دارد». اولاً «حکمتی بالغه» صحیح است. ثانیاً اگر مطلب کروشۀ حذف شود، علاوه بر بی معنی بودن جمله، باید فعل «دارد» به صورت جمع آورده شود: (بیم دهندگان چه سود دارند؟).
۸. قمر، ۶: فتول عنهم یوم یذع الداع الی شیء نکر «پس از آنان روی بگردان [روزی] که [آن] خواننده [بزرگ آنها را] به چیزی دشوار [= عذاب دیدن] بخواند».
۹. قمر، ۷: خشعاً ابصارهم یخرجون من الابدان... «و آنها با دیدگانی از [هول دوزخ] فرو شده از گورها بدر آیند...»
۱۰. قمر، ۱۲: فالتقی الماء علی امر قد قدر «... آنگاه آبهای [زمین و آسمان] بهم رسیدند...»
۱۱. ممتحنه، ۱: جمله و انا اعلم بما اخفیتم و ما اعلتکم ترجمه نشده است.
۱۲. مائده، ۵: جمله و طعامکم حل لهم ترجمه نشده است.

#### د) اغلاط چاپی

در این ترجمه اغلاط چاپی نیز فراوان است که چند نمونه آنها از این قرار است:

۱. اعراف، ۱۶: گفت به سبب آنچه ے به سبب آنکه
۲. فصلت، ۲۳: و این گمان که به پروردگار خود برید ے بردید
۳. حشر، ۱۶: آنگاه که آدمی گفت ے به آدمی گفت
۴. مدثر، ۳۱: با آنکسان ے تا آنکسان

#### ه) تفسیرهای غلط

اشتباهات این بخش بیشتر در ارجاع ضمایر است. بنگرید:

۱. اعراف، ۲۰۲: واخوانهم یمدوئهم فی الغی «و برادرانشان [= برادران شیاطین] آنها را به گمراهی می کشانند».
- مراد آیه این نیست که کسانی شیاطین را گمراه می کنند! چرا که ضمیر «اخوانهم» به مشرکین برمی گردد و مراد از «اخوان» شیاطین است. ترجمه صحیح: «و برادران مشرکان (یعنی شیاطین) آنان را به گمراهی می کشانند».
۲. انفال، ۶۰: و اعدوا لهم ما استطعتم من قوة... «و برای آنها [مجاهدانِ مسلمان] آنچه می توانید نیرو و اسبان بسته آماده کنید. ضمیر «لهم» که به «کفار» برمی گردد به «مسلمانان» برگردانده شده.
۳. رعد، ۱۷: انزل من السماء ماء فسالت اودیة بقدرها «از آسمان آب فرو فرستاد؛ پس رودخانه‌ها به اندازه آن [باران‌ها] روان شد».
- در اینجا ضمیر در «بقدرها» که به «اودیة» برمی گردد به «ماء» برگردانده شده است. ترجمه صحیح: «پس رودخانه‌هایی هر یک به اندازه ظرفیت خویش روان شد».
۴. اسراء، ۷۰: ولقد کرما بنی آدم... «و به یقین ما پسران آدم را گرامی داشتیم». مراد از بنی آدم فرزندان آدم است نه خصوص پسران، و لفظ «بنی» از باب تغلیب است.
۵. نمل، ۴۳: وصدّها ما کانت تعبد من دون الله «و [سلیمان] او را [بلقیس را] از آنچه غیر از خدا می پرستید، بازداشت». در این آیه فاعل «صدّها» سلیمان گرفته شده، در صورتی که فاعل آن «ما کانت» است؛ یعنی «آنچه او به جای خدا می پرستید او را [از پرستش خدا] بازداشته

بود». و اگر فاعل «سلیمان» بود، می‌بایست «و صدّها عمّا کانت» باشد. اینها مشتی از خروار است که به عنوان نمونه آورده شد. اشتباهاتی که در این مقاله از این دو ترجمه گوشزد شد، تنها مربوط به ترجمه بود. اما کاستیهایی که در زمینه روشن کردن معنای آیه با افزودن توضیحات مختصر، در این دو ترجمه وجود دارد، خود بحثی جداگانه می‌طلبد. نگارنده در پایان این مقال توفیقات روزافزون همه مترجمان گرامی قرآن کریم را از درگاه خدای متعال خواستار است.

